



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۲۹ اپریل ۲۰۲۲

حمید انوری

حقا که با عقوبت دوزخ برابر است

رفتن به پایمردی همسایه در بهشت

وامانده های حزب منفور و منحلۀ (د.خ) و نیز یکی دو بیغم باش دیگر در اینجا و آنجا، قوله سر داده اند و میدهند هنوز که "تحولات"، (و نه کودتای خونین ثور)، یا بگفته آنان "قیام نظامی ثور"، را باید با در نظر داشت تحولات و جریان وقایع بین المللی ارزیابی کرد و... به این نمک حرامان وامانده، و آن دو سه نادان دگرکه از فرط خری، فکر میکنند دانای جهان ایشانند باید گفته اید که:

با این دو سه نادان که چنین می دانند از جهل که دانای جهان ایشانند

خر باش که این جماعت از فرط خری هر کورنه خراست کافرش می خوانند

گیریم که قابل قبول باشد و جنایات هفتم ثوری ها و نیز تجاوز وحشیانه عساکر اشغالگر روسی به سرزمین مقدس ما و بعداً هم سازش شرم آور هشتم ثوری ها و... همه و همه را به وقایع در حال وقوع جهانی و اوضاع و احوال و سیاست های جهانی ارتباط دهیم و خدای ناخواسته جانیان شرف باخته (ح.د.خ) را با همه جنایات وحشتناک و ددمنشی های شان و نیز جنایات عظیم تجاوزگران روسی را در حق مردم و ملت و میهن خود، نادیده انگاریم و... و همه را به "تحولات جهانی" پیوند دهیم، آنهمه جرم و جنایت و خطا و خیانت و خون ریزی و ددمنشی را چگونه باید توجیه کرد؟!

آن همه جنایات ننگین و خونین و وحشتناک، را چگونه می شود به "تحولات جهانی" ارتباط داد؟!

روزگاری که خلقی ها و پرچمی های میهن فروش و جنایت پیشه در بعد از کودتای شوم ثور ۱۳۵۷ بالای مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان آوردند و زندانها، شکنجه گاه ها، توقیف خانه ها را از فرزندان غیور و با ایمان و آزاده افغان مملو ساختند و آن دخمه های وحشتناک را بلاوقفه پُر و خالی

ساختند و پلیگون سازی ها و کشتار ها و زنده به گور کردن ها را آغاز کردند و در ریاست های متعدد تحقیق و شکنجه گاه های بیشمار در مرکز و ولایات افغانستان مشغول سخیف ترین شکنجه ها و بند از بند بریدن ها و زنده به گور کردن ها و... بودند، "تحولات جهانی" از آن جنایات عظیم حتی خبر هم نبود. جهانیان با تمام خوبی ها و بدی های شان، پیوسته در پیشرفت و ترقی بودند و افغانستان را زنازادگان هفتم ثوری به یک باستیل و یک قربانگاه بزرگ مبدل ساخته بودند. هر روز و هر ساعت و هر دقیقه، خون بود و خیانت، دود بود و آتش، ویرانی بود و بربادی، چور بود و غارت، شکنجه بود و زندان و زمین بود که برای بلعیدن افغان های آزاده دهن باز کرده بود و سرتا سر کشور را بوی خون و خاکستر و گوشت سوخته آدمی فراگرفته بود و... آیا اینهمه جرم و جنایت و خطا و خیانت و وحشت و بربریت و... ارتباطی با "تحولات جهانی" داشت؟!

بیانید در این قسمت به کتاب "تاریخ روزنامه نگاری" نوشته حلیم تنویر رجوع کنیم و ببینیم و بخوانیم که زنازادگان خلقی و پرچمی در افغانستان بعد از کودتای ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ مشغول چه کاری بودند:

"... هر رفیق حزبی شیوه مخصوص خود را در کشتن و شکنجه افراد داشتند. اسدالله سروری قصاب درجه یک این رژیم که سمت ریاست سازمان اطلاعاتی (اگسا) را به عهده داشت هر شب به ده ها و صدها تن را در زیر شکنجه در زندان صدارت از بین میبرد. سروری در تعاملات اداری خود زمانیکه شفاهی یا تحریری دستور رمزی میداد که (مجرم به پاکستان اعزام شود.) به معنی اعدام آن شخص بود.

عبدالله امین، برادر حفیظ الله امین که بحیث رئیس زون شمال، ولایات شمال افغانستان را زیر نظر داشت، هزاران تن از زندانیان را توسط طیارات ترانسپورتهی هنگامیکه بر فراز کاسه کوه های سالنگ میرسید، از هوا به پائین پرتاب نموده از بین میبرد. منصور هاشمی وزیر آب و برق به صد ها تن از مردم ولایت بدخشان، تخار و کندز را دست و پا بسته در صندوق ها و مقدار سنگ می انداخت و یا بطور انفرادی بجان افراد سنگی را می بست و به دریای کوچک و آمو غرق میکرد. صاحب جان صحرائی والی کندز یکی دیگر از جنایتکاران رژیم در مجلس وزیران پیشنهاد نموده بود که، زمانیکه یکنفر بحیث مجرم گزارش داده شد، دیگر ضرورتی به محکمه و تحقیق نباید باشد. و با همین طرز دید، به صد ها تن از جوانان مکاتب را در شمال افغانستان قتل عام کرد. صدیق عالمیار والی بلخ شبانه، زمانی که قیود شبگردی وضع میگردید، لباس مخصوص چرمی به تن میکرد و با نوشیدن شراب از خود بیخود شده و همیشه میگفت ((رفیق ها ! بیائید که امشو خوده

گلگون کنیم.)) و با دست خود به کشتن و قصابی مردم می پرداخت. برادرش عارف عالمیار که رئیس ترانسپورت ها در کابل بود نیز همین روش را در کشتن جوانان و اختطاف دختران و زنان داشت که بعد از تجاوز به آنان، آنها سر به نیست می شدند.

قادر والی بغلان که در زمان سردار محمد داوود خورد ضابط بود و به جرم جنایت به هشت سال زندان محکوم شده بود، بعد از کودتای ثور از زندان رها شده، به بدترین اعمال غیر اخلاقی دست زده و به صد ها تن را بی گناه از بین برد. او لباس سفید پوشیده و دستار عبدالاحد ولسی والی غزنی را بر سر میکرد، به صد ها تن از روحانیون را بجرم اخوانی بودن زنده به گور کرد. جگرن عبدالرشید لاجورد قومندان لیسه عسکری کابل را زیر عنوان فعالیت های انقلابی جا داده و کسانی را که از سالها دشمنی داشت بجرم ضد انقلاب، خودش بقتل رسانیده است. دگرمن گل آغا والی هرات در قیام مردمی هرات به هزاران هزار تن را در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ از بین برد. والی های جنایتکار دیگر چون محمد خان آفت در ولایت فراه و بعدا در ولایت لوگر، عزیزالله وگری که بعد (توفان) تخلص میکرد در ولایت فاریاب، انجنیر ظریف والی کندهار که یکبار چهل و هشت تن از سران قومی ولسوالی دند را با ساطور در دفتر کارش به قتل رسانیده، دهنشین والی شبرغان از جمله جنایتکارانی اند که شرح آن در این مبحث گنجایش ندارد...

آیا اینهمه جرم و جنایت و وحشت و دهشت و قتل و کشتار و...، را می توان ارتباطی داد با "تحولات جهانی"؟!

از اعضای حزب منحل و منفور (د.خ) هیچ توقع نمی رود تا لافل جرئت و شهامت آنرا داشته باشند که کودتای شوم و خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ را، کودتا بگویند و بیهوده قلقله نکنند و عربده سر ندهند که "قیام نظامی" یا "تحول ثور" و یا همچو خزعلات دیگر که خریدار آن تنها و تنها خودشان هستند و الاغیر، اما یکی دو فرد که گویا شاید ارتباطی با آن حزب جنایت گستر نداشته بوده باشند و امروز از کشور های غربی، کودتای شوم هفتم ثور و نیز تجاوز بی شرمانه مهاجمان روسی به کشور آبائی ما را به "وقایع تاریخی جهان" و "تحولات جهانی" پیوند داده و یک سره به کودتاچیان و تجاوزگران خارجی، برائت میدهند و تفاوت و فرق بین پنبه و پنبه دانه و کشمش و شبش را ندانسته اند و در مخیله مریض خود، خود را عقل عالم فرض کرده و چرند گوئی و سفسطه پراگنی می کنند و بگفته مشهور "پهلوان زنده خوش است"، گفته سیاه را سفید جلوه میدهد و دروغ

را راست، باید گفت: **تو کز محنت دیگران بی غمی**

نشاید که نهند نامت آدمی

بلی! شاید بشود گفت و نوشت و ادعا کرد که تحولات جهانی همه با همه در پیوند و ارتباط اند و کودتای ننگین ثور نیز از این قاعده نتواند مستثنی بود و جریان چرخش تاریخ ناگزیر همین گونه بوده است و...، اما آیا آنهمه قتل و کشتار و وحشت و بربریت و...، همه مربوط شده می تواند به "تحولات جهانی"؟!!

آنچه خلقی ها و پرچمی ها در افغانستان انجام دادند، نظیر آن فقط در تمام کره ارض، در رژیم جنایتکار و ددمنش پل پوت در کمبودیا دیده شده است و دیگر هیچ.

آیا جنابان ایکه همه وقایع دلخراش و خونین و ننگین در افغانستان را به "تحولات جهانی" پیوند می دهند، گفته می توانند که کدام "تحولات جهانی"، درس شکنجه و کشتار و ایجاد گور های دستجمعی و پلیگون سازی ها و از کشته های مردم مظلوم و بی گناه و بی دفاع، پشته سازی ها را به خلقی ها و پرچمی ها میداد؟!!

آیا به غیر از مشاوران روسی سازمان استخباراتی روسیه، (کی جی بی) وقت، مشاوران نظامی و استخباراتی کشورهای غربی و امریکا و کانادا و استرالیا و...، در افغانستان وجود داشتند؟!!

آیا همین تجاوزگران روسی، امروز در کشور مستقل اوکراین، همان جنایات را انجام نمی دهند که در افغانستان انجام دادند؟!!

دیروز به عساکر مهاجم خود تلقین کرده بودند که امریکائی ها در افغانستان تجاوز کرده اند و شما جهت کمک به مردم افغانستان میروید و وظایف "انترناسیونالستی" تانرا انجام داده و به زودی بر میگردید و...

و امروز به عساکر متجاوز خود تلقین نموده اند که "نازی" ها به اوکراین حمله کرده اند و...

آیا انواع و اقسام ظلم و تعدی، توهین و تحقیر، زجر و شکنجه و زندان و زنجیر و زولانه و شقه شقه کردن انسانها و بند از بند بریدن ها و....، را "تحولات جهانی" به خلقی ها و پرچمی های از خدا بی خبر آموخته بودند؟!!

شکنجه گران خلقی و پرچمی بالای فرزندان آزاده افغان زمین که در زیر شکنجه های طاقت فرسا، خورد و خمیر می شدند، فریاد میزدند که "اکنون از خدای تان کمک بخواهید- خدای تان اکنون کجاست که شما را کمک کند- اکنون ما خود خدا هستیم و اختیار مرگ و زندگی تان در دست ما است و..."

آنان مذبوهانه میکوشند، کودتا را انقلاب عنوان کنند و چون موفق نمی شوند تلاش های زیوانه را به راه می اندازند تا آنرا بنام "تحول" یا "قیام نظامی"، پرده پوشی نمایند. به این نوع افراد و اشخاص باید گفته آید که :

احمق، کتاب دید و گمان کرد عالم است

خودبین، بکشتی آمد و پنداشت ناخداست